

فصل ۱

قرن ناآرام (۱۸۱۵-۱۸۷۰)

خلاصه فصل:

دوره ۱۸۱۵ تا ۱۸۷۰ نمایانگر یکی از پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ فرانسه است که در آن پنج رژیم سیاسی متفاوت بر سر کار آمدند و سه انقلاب بزرگ رخ داد. این دوره شاهد تلاش مداوم برای یافتن تعادل میان اصول انقلاب ۱۷۸۹، خواست‌های طبقات نوظهور صنعتی، و میراث سلطنتی بود.

رژیم‌های این دوره:

- بازگشت بوربون‌ها (۱۸۱۴-۱۸۳۰): تلاش برای احیای سلطنت مشروطه
 - سلطنت ژوئیه (۱۸۳۰-۱۸۴۸): سلطنت بورژوازی لویی-فیلیپ
 - جمهوری دوم (۱۸۴۸-۱۸۵۲): آزمایش کوتاه دموکراسی
 - امپراتوری دوم (۱۸۵۲-۱۸۷۰): بازگشت بناپارتیسم
- مفاهیم کلیدی:** مشروطه‌خواهی، لیبرالیسم، سوسیالیسم اولیه، ناسیونالیسم، صنعتی‌شدن، مسئله اجتماعی، طبقه کارگر، بناپارتیسم.

۱.۱ مقدمه: فرانسه در جستجوی ثبات

شکست ناپلئون در واترلو (ژوئن ۱۸۱۵) فرانسه را در وضعیتی پارادوکسیکال قرار داد: کشوری که انقلاب خود را به سراسر اروپا صادر کرده بود، اکنون تحت اشغال نظامی قدرت‌های پیروز قرار داشت و باید توان ماجراجویی‌های امپراتوری را می‌پرداخت. اما این فقط آغاز داستان بود.

«فرانسه همچون آتشفشانی است که گاه آرام می‌گیرد اما هرگز خاموش نمی‌شود. هر نسل باید منتظر فوران دیگری باشد.»

– آلکسی دو توکویل، ۱۸۵۶

دوره ۱۸۱۵-۱۸۷۰ را می‌توان از چند منظر تحلیل کرد:

۱.۱.۱ تنش‌های ساختاری

۱. **تنش ایدئولوژیک:** میان اصول انقلاب (آزادی، برابری، حاکمیت ملی) و اصول سلطنتی (مشروعیت الهی، سلسله‌مراتب، سنت)

۲. **تنش طبقاتی:** میان اشرافیت قدیم، بورژوازی صنعتی و مالی، و طبقه کارگر نوظهور

۳. **تنش منطقه‌ای:** میان پاریس انقلابی و شهرستان‌های محافظه‌کار

۴. **تنش بین‌المللی:** میان خواست استقلال ملی و فشار قدرت‌های اروپایی برای حفظ وضع موجود

۲.۱ بازگشت بوربون‌ها (۱۸۱۴-۱۸۳۰)

۱.۲.۱ بازگشت اول و صد روز

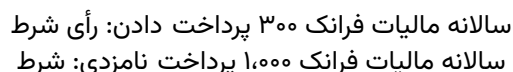
پس از تبعید ناپلئون به الب در آوریل ۱۸۱۴، لویی هجدهم (برادر لویی شانزدهم) به عنوان پادشاه به پاریس بازگشت. او که ۲۳ سال در تبعید زیسته بود، می‌دانست که بازگشت به رژیم پیش از انقلاب نه ممکن است و نه مطلوب.

جدول ۱.۱: مقایسه منشور ۱۸۱۴ با اعلامیه حقوق ۱۷۸۹

موضوع	منشور ۱۸۱۴	اعلامیه ۱۷۸۹
منبع قدرت	اعطای پادشاه (octroyer)	حاکمیت ملت
آزادی‌های فردی	تضمین شده (ماده ۱-۱۲)	حقوق طبیعی غیرقابل سلب
برابری قانونی	حفظ شده	اصل بنیادین
مذهب	کاتولیک دین دولتی	آزادی مذهبی
مالکیت	مالکیت‌های ملی تضمین شده	حق مقدس
قوه مقننه	دو مجلسی (انتصابی/انتخابی)	مجلس ملی
حق رأی	سنسیتور (پرداخت مالیات)	–

منشور ۱۸۱۴ سندی سازشی بود که تلاش می‌کرد دستاوردهای اساسی انقلاب را با اصل سلطنت موروثی ترکیب کند. نکته کلیدی در فلسفه این سند بود: منشور توسط پادشاه «اعطا» شده بود، نه توسط ملت تصویب. این تفاوت ظریف اما بنیادین، مشروعیت نظام را بر پایه لطف سلطنتی قرار می‌داد نه حقوق ملت.

۱۸۱۴ منشور در قدرت ساختار



۲.۲.۱ ترور سفید و واکنش اولترا

بازگشت ناپلئون در دوره «صد روز» (مارس-ژوئن ۱۸۱۵) و شکست نهایی او در واترلو، موج جدیدی از خشونت سیاسی را در فرانسه برانگیخت. گروه‌های سلطنت‌طلب افراطی (Ultras) که از بازگشت قبلی ناپلئون خشمگین بودند، دست به انتقام‌جویی گسترده زدند.

ترور سفید (۱۸۱۵)

موجی از خشونت علیه بنیادریست‌ها، جمهوری‌خواهان، و پروتستان‌ها در جنوب فرانسه:

- **قربانیان:** صدها نفر کشته، هزاران نفر آواره
 - **مناطق:** نیم، آوینون، تولوز، مارسی
 - **عاملان:** باندهای سلطنت طلب، اشرافیت محلی
 - **ویژگی:** آمیختگی انتقام سیاسی با تعصب مذهبی
- مارشال برون، قهرمان جنگ‌های ناپلئون، در آوینون توسط جمعیت کشته شد.

۳.۲.۱ دوره لویی هجدهم (۱۸۱۵-۱۸۲۴)

لویی هجدهم، علی‌رغم سن بالا و مشکلات جسمی، سیاستمداری هوشمند بود که اهمیت میانه‌روی را درک می‌کرد. او در برابر فشارهای اولترها مقاومت کرد و تلاش نمود تعادلی میان گرایش‌های مختلف برقرار سازد.

مجلس «یافت‌نشده» (۱۸۱۵-۱۸۱۶)

انتخابات اوت ۱۸۱۵ در فضای ترور سفید، مجلسی بسیار محافظه‌کار به وجود آورد که لویی هجدهم آن را «یافت‌نشدنی» (Chambre introuvable) نامید—چنان سلطنت‌طلب که حتی پادشاه نمی‌توانست چنین

مجلسی را تصور کند.

جدول ۲.۱: ترکیب سیاسی مجالس دوره بازگشت

دوره	اولترا	میان‌رو	لیبرال	گرایش غالب
۱۸۱۵-۱۸۱۶	۳۵۰	۵۰	۱۰	اولترا
۱۸۱۶-۱۸۲۰	۹۰	۱۴۰	۱۲۰	میان‌رو
۱۸۲۰-۱۸۲۴	۱۸۰	۱۰۰	۷۰	راست
۱۸۲۴-۱۸۲۷	۲۸۰	۵۰	۳۰	اولترا
۱۸۲۷-۱۸۳۰	۱۲۰	۸۰	۱۸۰	لیبرال

دولت‌های میان‌رو (۱۸۱۶-۱۸۲۰)

پس از انحلال مجلس یافت‌نشده، دولت‌های میان‌روی دسز (Decazes) و ریشلیو سیاست‌هایی متعادل‌تر پیش گرفتند:

- ۱۸۱۸: خروج نیروهای اشغالگر متفقین
- ۱۸۱۸: قانون گومند-اصلاح نظام نظامی
- ۱۸۱۹: قوانین آزادی مطبوعات (نسبی)
- پرداخت غرامات: تکمیل پرداخت ۷۰۰ میلیون فرانک به متفقین

چرخش به راست (۱۸۲۰)

ترور دوک دو بری (پسر کنت دو آرتوا و وارث احتمالی تاج) در فوریه ۱۸۲۰ توسط لوول، کارگری بناپار티ست، نقطه عطفی در سیاست بازگشت بود. اولتراها این رویداد را بهانه‌ای برای تغییر جهت سیاسی قرار دادند.

قانون «دو رأی» (۱۸۲۰)

این قانون به ثروتمندترین رأی‌دهندگان (حدود ۱۲،۰۰۰ نفر) اجازه می‌داد دو بار رأی دهند: یکبار در حوزه عادی و یکبار در «کالج‌های بزرگ» استانی. این تغییر تعادل قدرت را به نفع محافظه‌کاران بر هم زد.

۴.۲.۱ دوره شارل دهم (۱۸۲۴-۱۸۳۰)

با مرگ لویی هجدهم در سپتامبر ۱۸۲۴، برادرش کنت دو آرتوا به عنوان شارل دهم به سلطنت رسید. برخلاف برادر عمل‌گرایش، شارل دهم معتقد راسخ به حق الهی پادشاهان و ضرورت بازگشت به نظم قدیم بود.

میان لیبرال‌ها برانگیخت.

انتخابات ژوئن-ژوئیه ۱۸۳۰ پیروزی قاطع اپوزیسیون لیبرال را نشان داد: ۲۷۴ نماینده لیبرال در برابر ۱۴۵ نماینده دولتی. پاسخ شارل دهم، صدور «فرمان‌های ژوئیه» بود.

۳.۱ انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰

۱.۳.۱ فرمان‌های ژوئیه

در ۲۶ ژوئیه ۱۸۳۰، شارل دهم با استناد به ماده ۱۴ منشور (که به پادشاه اجازه صدور فرمان برای «امنیت دولت» را می‌داد)، چهار فرمان صادر کرد:

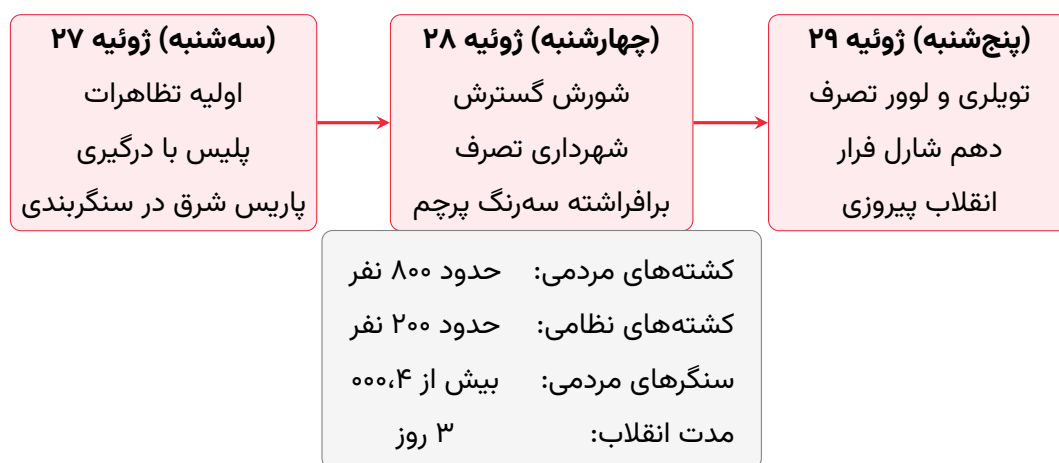
فرمان‌های ژوئیه (۲۶ ژوئیه ۱۸۳۰)

۱. تعلیق آزادی مطبوعات: همه نشریات نیاز به مجوز قبلی داشتند
 ۲. انحلال مجلس نمایندگان: مجلسی که هنوز تشکیل نشده بود
 ۳. اصلاح قانون انتخابات: حذف مالیات صنعتی و تجاری از شرایط رأی‌دهی (کاهش رأی‌دهندگان از ۱۰۰،۰۰۰ به ۲۵،۰۰۰)
 ۴. تعیین تاریخ انتخابات جدید: سپتامبر ۱۸۳۰
- هدف:** حذف بورژوازی تجاری و صنعتی از فرآیند سیاسی و بازگشت قدرت به زمین‌داران اشرافی

۲.۳.۱ سه روز شکوهمند

واکنش به فرمان‌ها سریع و قاطع بود. روزنامه‌نگاران لیبرال در همان روز ۲۶ ژوئیه اعتراض‌نامه‌ای امضا کردند. روز بعد، کارگران چاپخانه‌ها که بیکار شده بودند، به خیابان‌ها ریختند.

(Les Trois Glorieuses) شکوهمند روز سه



ترکیب اجتماعی انقلابیون

جدول ۴.۱: ترکیب اجتماعی کشته‌شدگان انقلاب ۱۸۳۰

طبقه/شغل	تعداد تقریبی	درصد
پیشه‌وران و کارگران	۵۲۰	۶۵٪
صاحبان مغازه و کارگاه	۱۲۰	۱۵٪
دانشجویان	۶۴	۸٪
کارمندان و حرفه‌ای‌ها	۵۶	۷٪
سایر	۴۰	۵٪

نکته مهم این آمار: کسانی که در خیابان جنگیدند عمدتاً طبقات پایین‌تر بودند، اما کسانی که قدرت را به دست گرفتند، بورژوازی لیبرال بودند.

۳.۳.۱ سرقت انقلاب

در حالی که خیابان‌های پاریس هنوز بوی باروت می‌داد، نمایندگان لیبرال مجلس گرد هم آمدند تا آینده را تعیین کنند. دو گزینه پیش رو بود:

۱. **جمهوری:** خواست بخشی از انقلابیون، به ویژه جمهوری خواهان و طبقات پایین

۲. **سلطنت مشروطه جدید:** ترجیح بورژوازی لیبرال برای اجتناب از افراط‌گری

تالیران، سیاستمدار کهنه‌کار، و تییر، روزنامه‌نگار لیبرال، لویی-فیلیپ دوک دو اورلئان را به عنوان نامزد سلطنت معرفی کردند. او از شاخه جوان‌تر بوربون‌ها بود، در انقلاب ۱۷۸۹ شرکت کرده، در ولمی جنگیده، و به عنوان «شهروند-شاه» شناخته می‌شد.

«جمهوری ما را در جنگ با اروپا قرار می‌داد؛ دوک اورلئان یک شاهزاده است که به انقلاب وفادار بوده است.»

— تییر، ۳۰ ژوئیه ۱۸۳۰

در ۳۱ ژوئیه، لافایت-قهرمان پیر انقلاب‌ها-لویی-فیلیپ را در بالکن هتل دو ویل در آغوش گرفت و پرچم سهرنگ را به دست او داد. این صحنه نمادین، انقلاب را به سلطنت جدید انتقال داد.

۴.۱ سلطنت ژوئیه (۱۸۳۰-۱۸۴۸)

۱.۴.۱ ماهیت رژیم جدید

سلطنت ژوئیه از نظر نظری و عملی با بازگشت بوربون تفاوت‌های اساسی داشت:

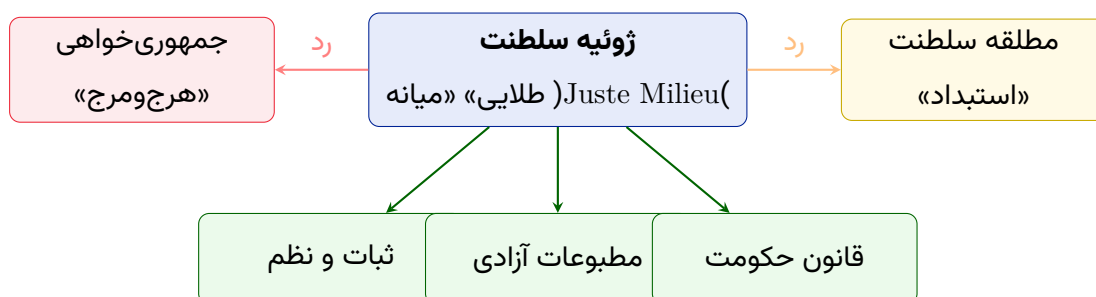
جدول ۵.۱: مقایسه منشور ۱۸۱۴ و منشور اصلاح‌شده ۱۸۳۰

موضوع	منشور ۱۸۱۴	منشور ۱۸۳۰
مبنای مشروعیت	اعطای پادشاه	پذیرش ملت
عنوان پادشاه	پادشاه فرانسه	پادشاه فرانسویان
پرچم	سفید بوربونی	سهرنگ ملی
دین دولتی	کاتولیک	حذف (سکولار)
سانسور	مجاز	ممنوع برای همیشه
حق رأی (مالیات)	۳۰۰ فرانک	۲۰۰ فرانک
شرط نامزدی (مالیات)	۱۰۰۰ فرانک	۵۰۰ فرانک
سن رأی‌دهی	۳۰ سال	۲۵ سال
تعداد رأی‌دهندگان	۱۰۰،۰۰۰	۱۶۶،۰۰۰ (بعداً ۲۴۰،۰۰۰)

طلایی «میانۀ ژوئیه: سلطنت ایدئولوژی

جمهوری «نهادهای به محاط سلطنتی «عرش

گیزو —



جدول ۶.۱: مشخصات لویی-فیلیپ اول

مشخصه	توضیح
تولد	۶ اکتبر ۱۷۷۳، پاریس
پدر	لویی-فیلیپ دوک اورلئان («فیلیپ برابری»)
در انقلاب	عضو ژاکوبن‌ها، جنگید در ولمی و ژماپ
تبعید	۱۷۹۳-۱۸۱۴ (سوئیس، آمریکا، انگلستان)
سبک زندگی	ساده، بدون تشریفات، با چتر در خیابان
شعار	«غنی‌سازی خود» (Enrichissez-vous)
نهایت	فرار به انگلستان ۱۸۴۸، مرگ ۱۸۵۰

۲.۴.۱ لویی-فیلیپ: شهروند-شاه

لویی-فیلیپ تصویری از «شهروند-شاه» ارائه می‌داد: مردی که با چتر در خیابان‌های پاریس قدم می‌زد، با شهروندان دست می‌داد، و فرزندانش را به مدارس عمومی می‌فرستاد. اما این تصویر مردمی پوششی بود بر حکومتی که اساساً در خدمت بورژوازی مالی و صنعتی قرار داشت.

۳.۴.۱ اپوزیسیون‌های سلطنت ژوئیه

سلطنت ژوئیه از همان آغاز با مخالفت‌های گوناگون مواجه بود:



شورش‌ها و سرکوب‌ها

شورش کارگران ابریشم‌باف لیون (نوامبر ۱۸۳۱)

اولین شورش بزرگ طبقه کارگر صنعتی در تاریخ فرانسه:

• علت: کاهش دستمزد توسط تاجران ابریشم

جدول ۷.۱: شورش‌های مهم دوره سلطنت ژوئیه

سال	مکان	ماهیت	نتیجه
۱۸۳۱	لیون	شورش کارگران ابریشم‌باف (کانو)	سرکوب
۱۸۳۲	پاریس	شورش جمهوری‌خواهان	سرکوب
۱۸۳۴	لیون و پاریس	شورش کارگری-جمهوری‌خواه	سرکوب خونین
۱۸۳۹	پاریس	قیام بلانکی	شکست
۱۸۴۰	بولونی	کودتای لویی-ناپلئون	شکست و زندان

- شعار: «زنده باد کار یا بمیریم در نبرد» (Vivre en travaillant ou mourir en combattant)
- مشارکت: حدود ۳۰،۰۰۰ کارگر
- نتیجه: تصرف موقت شهر، سپس سرکوب توسط ارتش
- اهمیت: نشان‌دهنده ظهور «مسئله اجتماعی» (question sociale)

۴.۴.۱ سیاست‌های داخلی

دولت‌های کلیدی

- کازیمیر پریه (۱۸۳۱-۱۸۳۲): سرکوب شورش‌ها، ثبات مالی
- سولت و برولی (۱۸۳۲-۱۸۳۶): ائتلاف محافظه‌کار
- موله و تییر (۱۸۳۶-۱۸۴۰): رقابت سیاسی
- گیزو (۱۸۴۰-۱۸۴۸): محافظه‌کاری و مقاومت در برابر اصلاحات

سیاست گیزو

فرانسوا گیزو، مورخ و سیاستمدار، از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۸ شخصیت غالب سیاست فرانسه بود. او طرفدار حکومت «ظرفیت‌ها» (capacités) بود—یعنی حکومت کسانی که ثروت یا تحصیلاتشان نشان‌دهنده توانایی‌شان برای مشارکت سیاسی است.

«غنی شوید از طریق کار و پس‌انداز، و رأی‌دهنده خواهید شد.»

— گیزو (نقل‌قول منتسب)

گیزو در برابر هر نوع اصلاح انتخاباتی مقاومت می‌کرد. وقتی در ۱۸۴۷ لایحه‌ای برای کاهش شرط مالیاتی رأی‌دهی به ۱۰۰ فرانک مطرح شد، گیزو مخالفت کرد. این سرسختی، زمینه‌ساز سقوط رژیم شد.

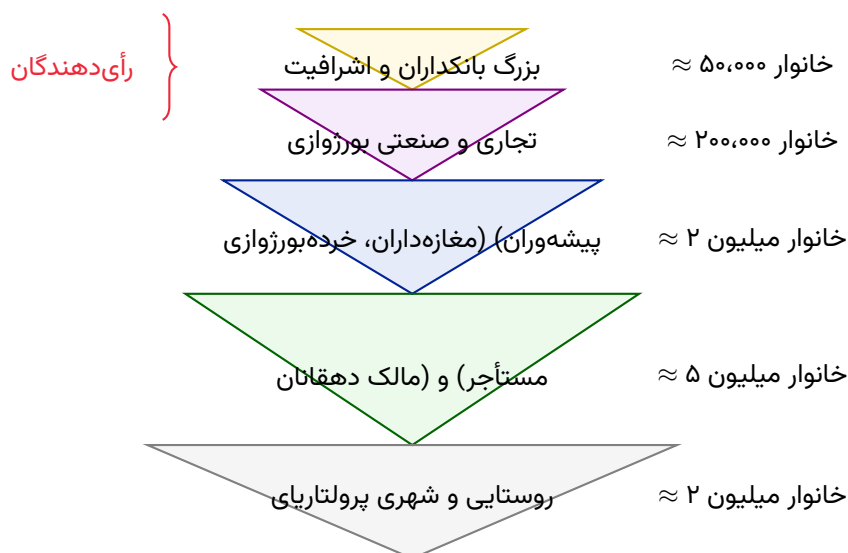
۵.۴.۱ تحولات اقتصادی و اجتماعی

دوره سلطنت ژوئیه مصادف با آغاز صنعتی شدن جدی فرانسه بود:

جدول ۸.۱: شاخص‌های توسعه اقتصادی ۱۸۳۰-۱۸۴۸

شاخص	۱۸۳۰	۱۸۴۸	تغییر
خطوط راه آهن (کیلومتر)	۰	۸۰۰،۱	—
تولید زغال سنگ (میلیون تن)	۸.۱	۴.۴	+۱۴۴٪
تولید آهن (هزار تن)	۲۲۰	۵۹۰	+۱۶۸٪
ماشین‌های بخار	۶۲۵	۸۵۳،۴	+۶۷۷٪
جمعیت پاریس (میلیون)	۷۸.۰	۰۵.۱	+۳۵٪

۱۸۴۰ دهه در فرانسه طبقاتی ساختار



۵.۱ انقلاب ۱۸۴۸ و جمهوری دوم

۱.۵.۱ زمینه‌های انقلاب

سال‌های ۱۸۴۶-۱۸۴۷ شاهد بحران‌های متعدد بود که زمینه را برای انقلاب فراهم کرد:

- بحران کشاورزی (۱۸۴۶): آفت سیب‌زمینی و محصولات غلات، گرسنگی گسترده
- بحران صنعتی (۱۸۴۷): رکود تولید، بیکاری انبوه
- بحران مالی: ورشکستگی بانک‌ها، سقوط بورس
- بحران سیاسی: رسوایی‌های فساد، سرسختی در کابینه گیزو
- بحران مشروعیت: امتناع از اصلاحات انتخاباتی

کمپین ضیافت‌ها

از ژوئیه ۱۸۴۷، اپوزیسیون لیبرال و جمهوری‌خواه «کمپین ضیافت‌ها» (Campagne des banquets) را سازمان داد. چون تجمعات سیاسی ممنوع بود، مخالفان در قالب مهمانی‌های خصوصی گرد هم می‌آمدند و سخنرانی می‌کردند. بیش از ۷۰ ضیافت در سراسر فرانسه برگزار شد.

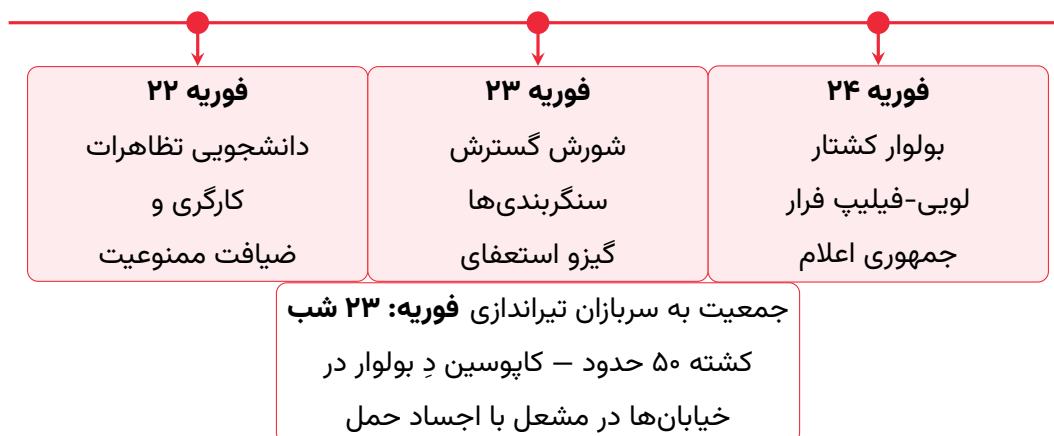
خواسته‌های کمپین ضیافت‌ها:

- کاهش شرط مالیاتی رأی‌دهی به ۱۰۰ فرانک
- افزودن «ظرفیت‌ها» (تحصیل‌کردگان) به رأی‌دهندگان
- اصلاحات پارلمانی
- (جناح رادیکال: رأی همگانی مردان)

۲.۵.۱ روزهای فوریه ۱۸۴۸

دولت گیزو ضیافت بزرگ پاریس را که برای ۲۲ فوریه ۱۸۴۸ برنامه‌ریزی شده بود، ممنوع کرد. این ممنوعیت جرقه انقلاب را زد.

۱۸۴۸ فوریه انقلاب



سقوط سلطنت

صبح ۲۴ فوریه، لویی-فیلیپ که دید ارتش حاضر به سرکوب نیست، به نفع نوه‌اش کناره‌گیری کرد و به انگلستان گریخت. اما جمعیت به کاخ بوربون (مجلس نمایندگان) هجوم آورد و اجازه نداد نیابت سلطنت تشکیل شود. نمایندگان تحت فشار جمعیت، دولت موقت جمهوری را اعلام کردند.

«جمهوری در فرانسه اعلام شده است. این جمهوری، حکومتی است که ملت فرانسه می‌خواهد...
جمهوری آرام‌بخش‌ترین و در عین حال قهرمانانه‌ترین شکل حکومت است.»
— آلفونس دو لامارتین، ۲۵ فوریه ۱۸۴۸

۳.۵.۱ دولت موقت و آرمان‌گرایی بهار ۱۸۴۸

دولت موقت ترکیبی بود از جمهوری‌خواهان میانه‌رو و سوسیالیست‌ها:

جدول ۹.۱: ترکیب دولت موقت (فوریه ۱۸۴۸)

نام	گرایش	سمت/نقش
لامارتین	جمهوری‌خواه میانه‌رو	امور خارجه، رهبری عملی
لدر-روئن	جمهوری‌خواه رادیکال	کشور
آراگو	جمهوری‌خواه	دریاداری، جنگ
ماری	جمهوری‌خواه میانه‌رو	امور عمومی
کرمیو	جمهوری‌خواه	دادگستری
لویی بلان	سوسیالیست	کمیسیون کارگری
آلبر	کارگر سوسیالیست	کمیسیون کارگری

اصلاحات بنیادین

دولت موقت در چند هفته اول، اصلاحاتی انقلابی تصویب کرد:

دستاوردهای بهار ۱۸۴۸

۱. رأی همگانی مردان (۲ مارس): افزایش رأی‌دهندگان از ۲۵۰،۰۰۰ به ۹ میلیون
۲. لغو برده‌داری (۲۷ آوریل): در همه مستعمرات فرانسه
۳. آزادی کامل مطبوعات و تجمعات
۴. لغو مجازات اعدام برای جرایم سیاسی
۵. کاهش ساعات کار: ۱۰ ساعت در پاریس، ۱۱ ساعت در شهرستان
۶. کارگاه‌های ملی: اشتغال دولتی برای بیکاران
۷. «حق کار»: به رسمیت شناخته شد (در اصل)

کارگاه‌های ملی

یکی از بحث‌برانگیزترین نهادهای جمهوری دوم، «کارگاه‌های ملی» (Ateliers nationaux) بود. این طرح، که توسط امیل توما اجرا شد (نه لویی بلان که ایده‌های متفاوتی داشت)، به بیکاران کار یا یارانه می‌داد.

جدول ۱۰.۱: کارگاه‌های ملی: آمار و مشکلات

جنبه	توضیح
ثبت نام اولیه	مارس ۱۸۴۸: ۱۴،۰۰۰ نفر
اوج ثبت نام	ژوئن ۱۸۴۸: بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر
دستمزد	۲ فرانک در روز کار، ۱ فرانک بدون کار
نوع کار	عمدتاً خاک‌برداری، کار غیرمولد
هزینه	بحران مالی برای دولت
مشکل	جذب بیکاران سراسر فرانسه به پاریس

۴.۵.۱ انتخابات آوریل و چرخش به راست

انتخابات مجلس مؤسسان در ۲۳ آوریل ۱۸۴۸—اولین انتخابات با رأی همگانی در تاریخ فرانسه—نتایج غیرمنتظره داشت:

۱۸۴۸ آوریل انتخابات نتایج

بناپارت ۵	سوس	رادیکال ۸۰	سلطنت‌طلبان کرسی ۲۹۰	جمهوری‌خواهان میان‌رو کرسی ۵۰۰
--------------	-----	---------------	-------------------------	--------------------------------------

دادند. رأی محافظه‌کار جمعیت) ۷۵٪ (روستاها تحلیل: کردند. هدایت را بی‌سواد رأی‌دهندگان زمین‌داران و کشیشان رادیکال‌ها. و سوسیالیست‌ها نسبی شکست

۵.۵.۱ روزهای ژوئن: جنگ داخلی طبقاتی

با تسلط جمهوری‌خواهان میان‌رو و سلطنت‌طلبان بر مجلس، تصمیم به انحلال کارگاه‌های ملی گرفته شد. در ۲۱ ژوئن ۱۸۴۸، فرمان انحلال صادر شد: کارگران جوان باید به ارتش می‌پیوستند یا به پروژه‌های زهکشی در سولونی (مناطق باتلاقی) می‌رفتند.

قیام ژوئن ۱۸۴۸ (۲۳-۲۶ ژوئن)

خونین‌ترین درگیری خیابانی در تاریخ پاریس تا آن زمان:

- **شورشیان:** ۴۰،۰۰۰ تا ۵۰،۰۰۰ کارگر مسلح
- **مناطق:** شرق و شمال پاریس (محلات کارگری)
- **سنگرها:** بیش از ۴۰۰ سنگر
- **سرکوبگر:** ژنرال کاونیاک با اختیارات دیکتاتوری
- **کشته‌ها:** ۵۰۰،۱ نفر در نبرد، ۳،۰۰۰ نفر در اعدام‌های صحرایی
- **بازداشت‌ها:** ۱۵،۰۰۰ نفر
- **تبعید:** ۴،۵۰۰ نفر به الجزایر
- **شعار شورشیان:** «نان یا سرب!» (Du pain ou du plomb!)

«این جنگ داخلی نبود؛ این جنگ طبقاتی بود. از یک سو همه کسانی که چیزی داشتند، از سوی دیگر همه کسانی که هیچ نداشتند.»
 — آلكسى دو توكویل، «یادبودها»

پیامدهای ژوئن

- **پایان آرمان‌گرایی:** «توهم لیریک» (illusion lyrique) بهار ۱۸۴۸ نابود شد
- **شکاف طبقاتی:** بورژوازی و پرولتاریا به عنوان دشمنان طبقاتی رو در روی هم قرار گرفتند
- **ترس از «سرخ‌ها»:** محافظه‌کاران و لیبرال‌ها به «حزب نظم» پیوستند
- **زمینه‌سازی برای بناپار티سم:** خواست «مردی قوی» برای حفظ نظم

۶.۵.۱ قانون اساسی جمهوری دوم

مجلس مؤسسان در نوامبر ۱۸۴۸ قانون اساسی جدید را تصویب کرد:

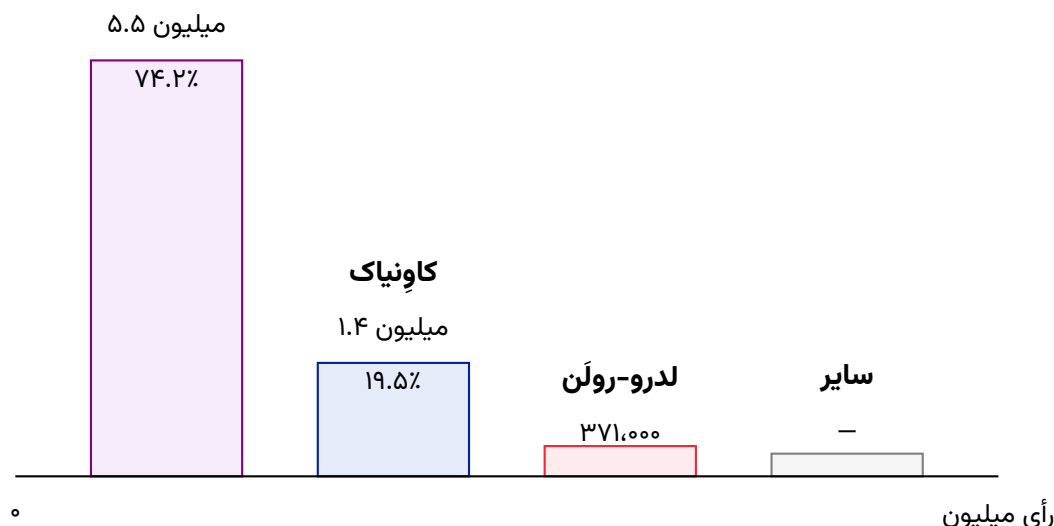
جدول ۱۱.۱: ویژگی‌های قانون اساسی ۱۸۴۸

ویژگی	توضیح
رئیس‌جمهور	انتخاب مستقیم توسط مردم، دوره ۴ ساله، بدون حق انتخاب مجدد
مجلس	یک مجلسی، ۷۵۰ نماینده، دوره ۳ ساله
حق رأی	همگانی مردان بالای ۲۱ سال
حقوق	آزادی‌های اساسی، «حق آموزش و کمک»
تفکیک قوا	سخت‌گیرانه، بدون مکانیزم حل بن‌بست
ضعف ساختاری	رئیس‌جمهور قوی + مجلس قوی = احتمال بحران

۷.۵.۱ انتخابات ریاست جمهوری دسامبر ۱۸۴۸

انتخابات ۱۰ دسامبر ۱۸۴۸ نتیجه‌ای شگفت‌انگیز داشت:

۱۸۴۸ ریاست جمهوری انتخابات نتایج



چرا لویی-ناپلئون؟

- افسانه ناپلئونی: نام «بناپارت» نماد شکوه ملی
- نارضایتی روستاییان: مالیات ۴۵ سانتیم بر هر فرانک که دولت موقت وضع کرده بود
- ترس بورژوازی: امید به «نظم» پس از ژوئن
- امید کارگران: وعده‌های اجتماعی در کتاب «نابودی فقر»
- ضعف رقبا: کاونیک با سرکوب ژوئن منقرض بود

۶.۱ از جمهوری به امپراتوری (۱۸۴۸-۱۸۵۲)

۱.۶.۱ لویی-ناپلئون بناپارت

۲.۶.۱ جمهوری محافظه‌کار (۱۸۴۹-۱۸۵۱)

انتخابات مجلس قانون‌گذاری در مه ۱۸۴۹ پیروزی «حزب نظم» (ائتلاف سلطنت‌طلبان اورلئانیست و لژیتمیست) را نشان داد. این مجلس سیاست‌های ارتجاعی پیش گرفت:

• قانون فالو (مارس ۱۸۵۰): گسترش نقش کلیسا در آموزش

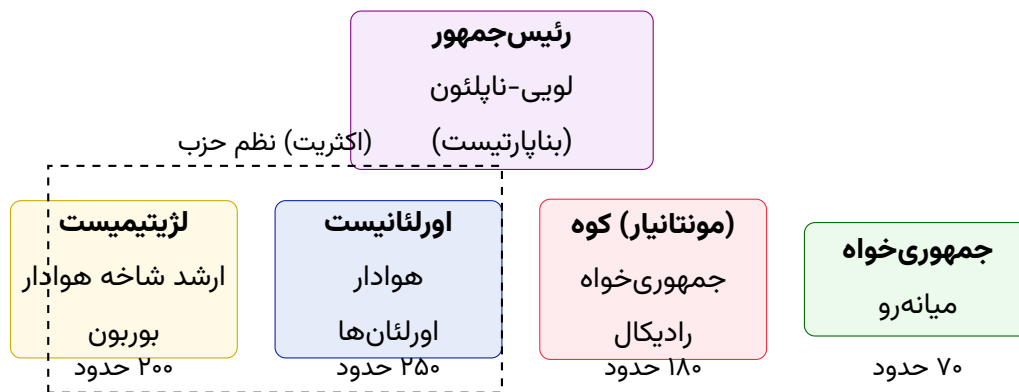
• قانون انتخاباتی (مه ۱۸۵۰): محدودیت رأی‌دهی با شرط اقامت سه‌ساله (حذف ۳ میلیون رأی‌دهنده)

جدول ۱۲.۱: زندگی‌نامه لویی-ناپلئون تا ۱۸۴۸

تاریخ	رویداد
۱۸۰۸	تولد در پاریس (پسر لویی بناپارت، برادر ناپلئون اول)
۱۸۱۵	تبعید خانواده پس از واترلو
۱۸۳۱	شرکت در شورش کربوناری در ایتالیا
۱۸۳۶	کودتای ناموفق در استراسبورگ
۱۸۴۰	کودتای ناموفق در بولونی، محکومیت به حبس ابد
۱۸۴۶	فرار از قلعه هام
۱۸۴۸	بازگشت به فرانسه، انتخاب به ریاست‌جمهوری

• محدودیت مطبوعات و تجمعات

۱۸۴۹-۱۸۵۱ سیاسی بازیگران



۳.۶.۱ بحران ۱۸۵۱ و کودتا

قانون اساسی اجازه انتخاب مجدد رئیس‌جمهور را نمی‌داد. لویی-ناپلئون از ۱۸۵۰ تلاش کرد مجلس را به تغییر قانون اساسی متقاعد کند، اما اکثریت سه‌چهارم لازم را به دست نیاورد (با ۴۴۶ رأی موافق در برابر ۲۷۸ مخالف، ۱ نوامبر ۱۸۵۱).

کودتای ۲ دسامبر ۱۸۵۱

در سالگرد تاج‌گذاری ناپلئون اول و پیروزی آسترلیتس:

۱. شب ۲-۱ دسامبر: بازداشت ۷۸ نماینده مجلس و رهبران سیاسی

۲. ۲ دسامبر صبح: اعلامیه‌های رئیس‌جمهور: انحلال مجلس، برقراری حکومت نظامی

۳. ۳-۴ دسامبر: مقاومت محدود در پاریس، سنگربندی

۴. ۴ دسامبر: سرکوب خونین؛ تیراندازی به جمعیت در بولوارها

۵. ۵-۱۰ دسامبر: قیام‌های پراکنده در شهرستان‌ها، سرکوب

قربانیان: حدود ۴۰۰ کشته در پاریس، ۲۷،۰۰۰ بازداشت، ۱۰،۰۰۰ تبعید

«این عمل یک جنایت است... پیروزی خواهد یافت اما تاریخ آن را محکوم خواهد کرد.»
 – ویکتور هوگو، «ناپلئون کوچک»

۴.۶.۱ همه‌پرسی و مشروعیت‌سازی

لویی-ناپلئون برای مشروعیت‌بخشی به کودتا، همه‌پرسی برگزار کرد:

جدول ۱۳.۱: نتایج همه‌پرسی دسامبر ۱۸۵۱

گزینه	تعداد	درصد
آری	۰۰۰،۴۳۹،۷	%۹۲
نه	۰۰۰،۶۴۰	%۸

یک سال بعد، همه‌پرسی دیگری برگزار شد (نوامبر ۱۸۵۲) که با ۸.۷ میلیون رأی موافق، امپراتوری را تأیید کرد. در ۲ دسامبر ۱۸۵۲، لویی-ناپلئون به عنوان **ناپلئون سوم** امپراتور فرانسویان شد.

۷.۱ امپراتوری دوم (۱۸۵۲-۱۸۷۰)

۱.۷.۱ ماهیت رژیم

امپراتوری دوم ترکیبی بود از عناصر متناقض:



۲.۷.۱ دوره‌بندی امپراتوری

۳.۷.۱ تحولات اقتصادی

امپراتوری دوم دوره‌ای از رشد اقتصادی بی‌سابقه بود:

جدول ۱۴.۱: دوره‌های امپراتوری دوم

دوره	سال‌ها	ویژگی‌ها
امپراتوری اقتدارگرا	۱۸۵۲-۱۸۶۰	سانسور شدید، کنترل انتخابات، رونق اقتصادی
گذار	۱۸۶۰-۱۸۶۳	آزادسازی تدریجی، عفو سیاسی
امپراتوری لیبرال	۱۸۶۳-۱۸۷۰	آزادی نسبی مطبوعات، قدرت بیشتر مجلس

انقلاب راه‌آهن

جدول ۱۵.۱: توسعه شبکه راه‌آهن فرانسه

سال	کیلومتر خط	مسافر (میلیون)
۱۸۵۰	۳،۰۰۰	۲۰
۱۸۵۵	۵،۵۰۰	۳۵
۱۸۶۰	۹،۵۰۰	۵۵
۱۸۶۵	۱۳،۵۰۰	۸۵
۱۸۷۰	۱۷،۵۰۰	۱۱۰

نوسازی پاریس

بارون اوسمان، استاندار سن، پاریس را طی ۱۷ سال (۱۸۵۳-۱۸۷۰) دگرگون کرد:

پروژه اوسمان: بازسازی پاریس

- **بولوارهای بزرگ:** ۱۳۷ کیلومتر خیابان جدید، پهنای ۲۰-۳۰ متر
- **تخریب:** ۲۰،۰۰۰ ساختمان قدیمی
- **ساخت:** ۴۰،۰۰۰ ساختمان جدید با نمای یکسان
- **فاضلاب:** ۵۰۰ کیلومتر شبکه جدید
- **آب:** آبرسانی از رودخانه‌های دوردست
- **پارک‌ها:** بولون، ونسن، بوت‌شومون، مونسو
- **هزینه:** ۵.۲ میلیارد فرانک
- **نقد:** جابجایی اجباری طبقات فقیر به حومه، تسهیل سرکوب شورش‌ها

نظام بانکی

- **کردی موبیلیه (۱۸۵۲):** بانک سرمایه‌گذاری صنعتی برادران پیریر
- **کردی فونسیه (۱۸۵۲):** وام مسکن
- **کردی لیونه (۱۸۶۳):** بانک تجاری

• سوسیته ژنرال (۱۸۶۴): بانک تجاری

۴.۷.۱ سیاست خارجی

ناپلئون سوم خواهان بازگرداندن فرانسه به جایگاه قدرت بزرگ اروپایی بود:

جدول ۱۶.۱: جنگ‌های امپراتوری دوم

سال	جنگ	دلیل/هدف	نتیجه
۱۸۵۴-۵۶	کریمه	حمایت از عثمانی، اعتبار	پیروزی
۱۸۵۹	ایتالیا	حمایت از وحدت ایتالیا	پیروزی (ساوا و نیس)
۱۸۶۰-۶۱	سوریه	حمایت از مسیحیان	موفق
۱۸۶۲-۶۷	مکزیک	امپراتوری دست‌نشانده	فاجعه
۱۸۷۰	پروس	مخالفت با وحدت آلمان	شکست کامل

۵.۷.۱ لیبرالیزاسیون دهه ۱۸۶۰

از ۱۸۶۰، ناپلئون سوم تحت فشارها (مخالفت کاتولیک‌ها با سیاست ایتالیایی، نارضایتی صنعتگران از قرارداد تجارت آزاد با انگلستان، رشد اپوزیسیون) به لیبرالیزاسیون تدریجی روی آورد:

• ۱۸۶۰: حق مجلس برای پاسخ به نطق تاج

• ۱۸۶۱: انتشار مذاکرات مجلس در روزنامه‌ها

• ۱۸۶۴: حق اعتصاب برای کارگران

• ۱۸۶۷: حق سؤال نمایندگان از وزرا

• ۱۸۶۸: آزادی نسبی مطبوعات و تجمعات

• ۱۸۷۰: «امپراتوری پارلمانی»-مسئولیت وزرا در برابر مجلس

۶.۷.۱ اپوزیسیون

دوم امپراتوری اپوزیسیون



«امپراتوری، این صلح است.»

— ناپلئون سوم، ۱۸۵۲

«اگر امپراتوری صلح است، پس این جنگ ها چیست؟»

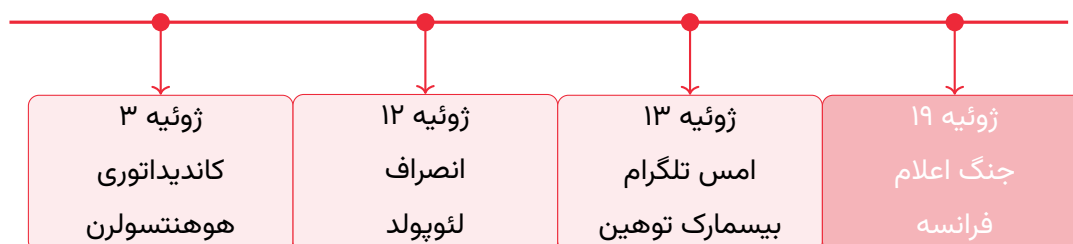
— ژول فاور، ۱۸۶۷

۸.۱ سقوط امپراتوری (۱۸۷۰)

۱.۸.۱ بحران جانشینی اسپانیا

در ژوئیه ۱۸۷۰، کاندیداتوری شاهزاده لئوپولد هوهنتسولرن (از خاندان پروسی) برای تاج اسپانیا، بحرانی دیپلماتیک آفرید. فرانسه این را تهدیدی برای تعادل قدرت می دانست.

جنگ آغاز و ۱۸۷۰ ژوئیه بحران



تلگرام امس:

پادشاه پروس، ویلهلم اول، در امس با سفیر فرانسه ملاقات کرد. بیسمارک گزارش این ملاقات را طوری ویرایش و منتشر کرد که به نظر برسد پادشاه به سفیر فرانسه توهین کرده است. این «تلگرام امس» افکار عمومی فرانسه را برانگیخت و دولت فرانسه اعلام جنگ کرد—دقیقاً آنچه بیسمارک می‌خواست.

۲.۸.۱ فاجعه نظامی

جنگ فرانسه-پروس (۱۹ ژوئیه - ۱ سپتامبر ۱۸۷۰) یکی از سریع‌ترین شکست‌های تاریخ نظامی بود:

جنگ فرانسه-پروس ۱۸۷۰

- ۴ اوت: شکست در ویسامبورگ
- ۶ اوت: شکست‌های اشپیشرن و ورت
- ۱۸ اوت: محاصره متس (مارشال بازن)
- ۱ سپتامبر: نبرد سدان—ناپلئون سوم تسلیم می‌شود
- ۲ سپتامبر: ۵۰۰،۱۰۴ اسیر فرانسوی از جمله امپراتور

دلایل شکست:

- برتری عددی پروس (۲.۱ میلیون در برابر ۵۰۰،۰۰۰)
- برتری سازمانی و لجستیک آلمانی
- توپخانه برتر (توپ کروپ)
- رهبری ضعیف فرانسوی

۳.۸.۱ سقوط امپراتوری و اعلام جمهوری

با رسیدن خبر اسارت ناپلئون سوم به پاریس در ۴ سپتامبر ۱۸۷۰، جمعیت به مجلس هجوم آورد. نمایندگان جمهوری خواه به هتل دو ویل رفتند و جمهوری سوم را اعلام کردند. امپراتوری دوم بدون دفاع فروپاشید.

«امپراتوری سقوط کرده است. جمهوری اعلام شده است. یک دولت دفاع ملی تشکیل شده است.»

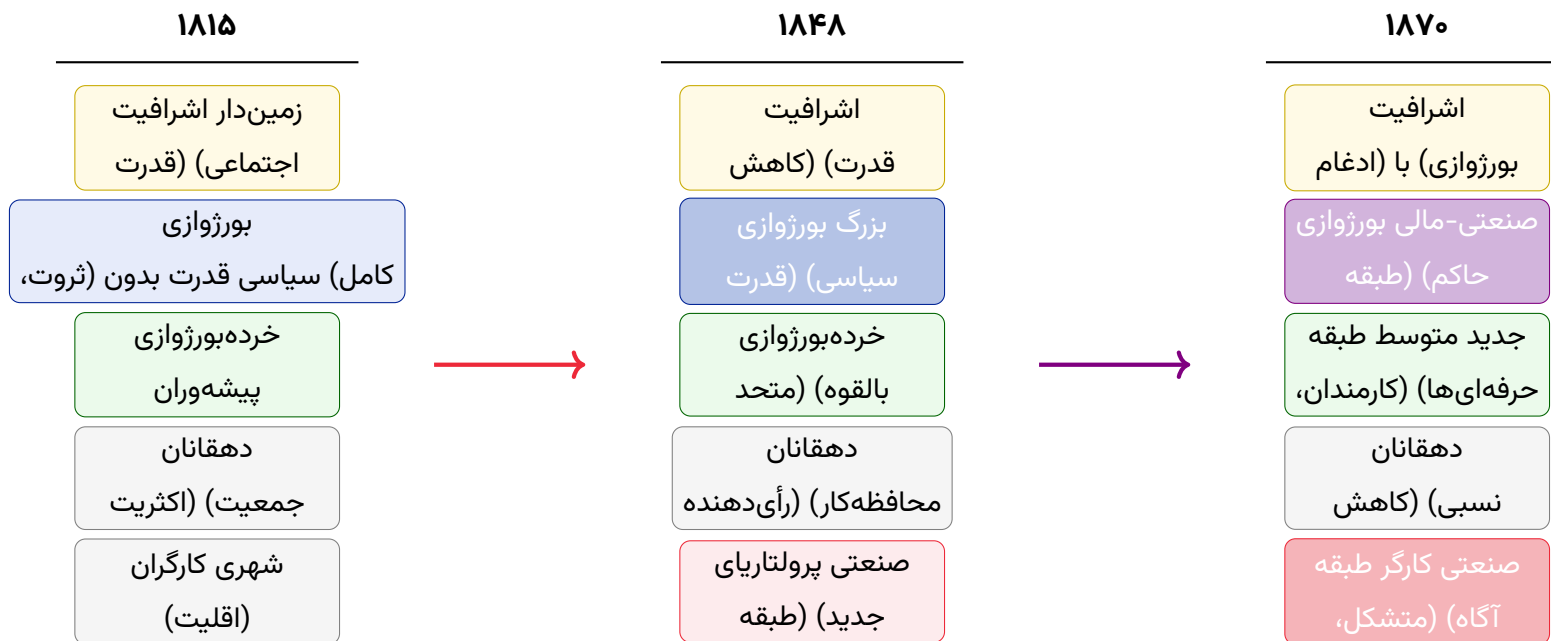
— اعلامیه ۴ سپتامبر ۱۸۷۰

۹.۱ تحلیل طبقاتی و ایدئولوژیک

۱.۹.۱ تحول ساختار طبقاتی

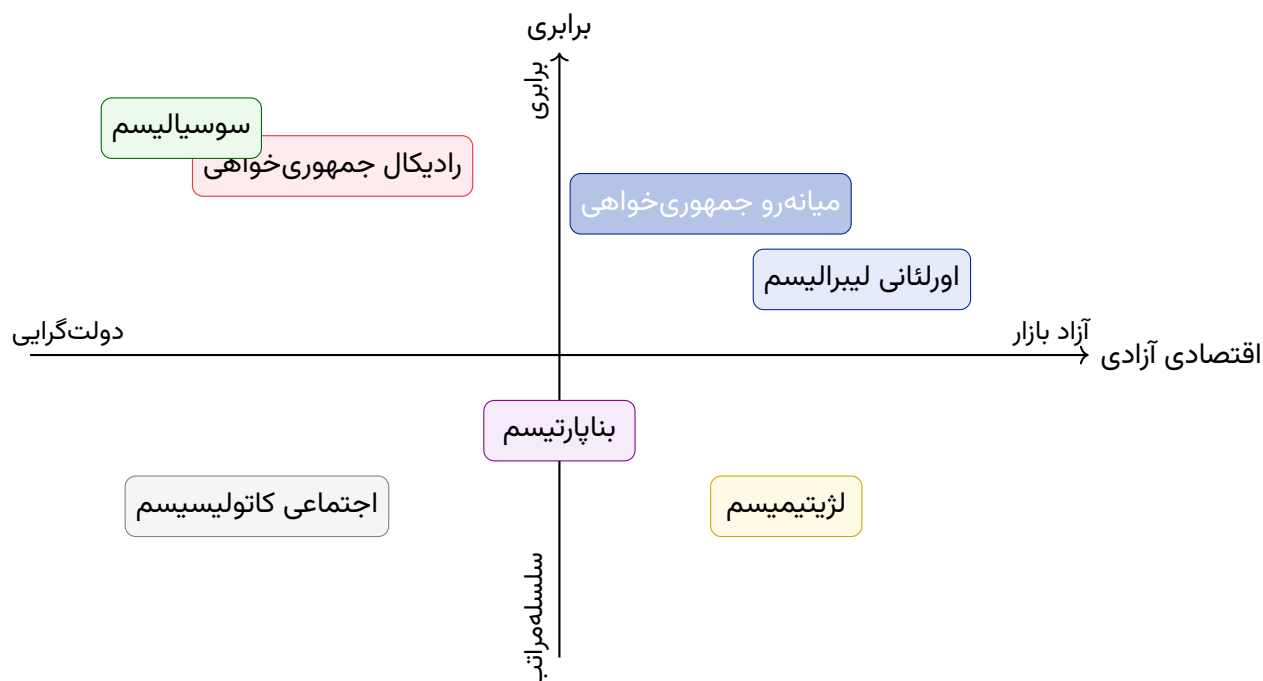
دوره ۱۸۱۵-۱۸۷۰ شاهد دگرگونی عمیق ساختار طبقاتی فرانسه بود:

۱۸۷۰-۱۸۱۵ فرانسه طبقاتی ساختار تحول



۲.۹.۱ نقشه ایدئولوژیک

نوزدهم قرن در فرانسه ایدئولوژیک نقشه



۳.۹.۱ جریان‌های فکری اصلی

لیبرالیسم

لیبرالیسم فرانسوی در این دوره چند شاخه داشت:

جدول ۱۷.۱: شاخه‌های لیبرالیسم فرانسوی

شاخه	نمایندگان	ویژگی‌ها
لیبرالیسم دکترینر	گیزو، روایه-کولار	حکومت «طرفیت‌ها»، رأی محدود
لیبرالیسم کاتولیک	لامنه، مون‌تالامبر	آشتی کلیسا و آزادی
لیبرالیسم دموکراتیک	توکویل	آزادی + دموکراسی، نگرانی از استبداد اکثریت
لیبرالیسم اقتصادی	باستیا، بی	بازار آزاد، ضد مداخله دولت

«دموکراسی و سوسیالیسم جز در یک کلمه مشترک نیستند: برابری. اما تفاوت را ببینید: دموکراسی برابری در آزادی می‌خواهد، سوسیالیسم برابری در اجبار و بندگی.»

— آلكسى دو توكویل

سوسیالیسم اولیه

فرانسه زادگاه سوسیالیسم اولیه (یوتوپایی) بود:

جدول ۱۸.۱: متفکران سوسیالیست اولیه فرانسه

متفکر	سال‌ها	ایده‌های کلیدی
سن‌سیمون	۱۷۶۰-۱۸۲۵	جامعه صنعتی، تکنوکراسی، «بهره‌کشی انسان از انسان»
شارل فوریه	۱۷۷۲-۱۸۳۷	فالانستر (کمون‌های تعاونی)، هماهنگی اجتماعی
پروودون	۱۸۰۹-۱۸۶۵	«مالکیت دزدی است»، فدرالیسم، موتوئالیسم
لویی بلان	۱۸۱۱-۱۸۸۲	کارگاه‌های اجتماعی، دولت به عنوان سازمان‌دهنده کار
بلانکی	۱۸۰۵-۱۸۸۱	انقلاب از طریق توطئه نخبگان، دیکتاتوری انقلابی
اتین کابه	۱۷۸۸-۱۸۵۶	«ایکاری»، کمونیسم یوتوپایی

واژه «سوسیالیسم»:

این واژه در دهه ۱۸۳۰ در فرانسه رایج شد. پیش از آن، اصطلاحاتی مانند «کمونیسم»، «اشتراکی‌گری»، یا صرفاً «سیستم‌های اجتماعی» به کار می‌رفت. پیر لورو (۱۷۹۷-۱۸۷۱) از نخستین کسانی بود که واژه «سوسیالیسم» را به کار برد.

جمهوری‌خواهی

جمهوری‌خواهی فرانسوی نیز طیفی گسترده داشت:

- **جمهوری‌خواهان میانه‌رو:** لامارتین، ماری-جمهوری لیبرال، حقوق فردی
- **جمهوری‌خواهان رادیکال (کوه):** لدرو-روآن-رأی همگانی، اصلاحات اجتماعی
- **جمهوری‌خواهان سوسیالیست:** لویی بلان-جمهوری دموکراتیک و اجتماعی
- **نئوژاکوبن‌ها:** بلانکی-انقلاب دائمی، دیکتاتوری پرولتاریا

۱۰.۱ نقش طبقه کارگر جدید

۱.۱۰.۱ شکل‌گیری طبقه کارگر

صنعتی‌شدن فرانسه، هرچند کندتر از انگلستان، طبقه کارگر صنعتی جدیدی به وجود آورد:

جدول ۱۹.۱: رشد طبقه کارگر صنعتی فرانسه

شاخص	۱۸۳۰	۱۸۵۰	۱۸۷۰
کارگران صنعتی (میلیون)	۵.۲	۰.۴	۵.۵
کارگران معدن	۰۰۰،۳۰	۰۰۰،۶۵	۰۰۰،۱۵۰
کارگران نساجی	۰۰۰،۸۰۰	۱.۱ میلیون	۳.۱ میلیون
کارگران فلزکاری	۰۰۰،۱۵۰	۰۰۰،۲۵۰	۰۰۰،۴۵۰
ساعت کار روزانه	۱۶-۱۴	۱۴-۱۲	۱۲-۱۱

۲.۱۰.۱ شرایط زندگی و کار

شرایط طبقه کارگر در میانه قرن نوزدهم

- **دستمزد:** ۵.۱ تا ۳ فرانک در روز (مرد)، ۷۵.۰ تا ۵.۱ (زن)، ۵.۰ (کودک)
- **ساعت کار:** ۱۲ تا ۱۵ ساعت، ۶ روز در هفته
- **کار کودکان:** از ۶-۷ سالگی در کارخانه‌ها (قانون ۱۸۴۱ محدودیت ضعیف)
- **مسکن:** اتاق‌های تنگ و تاریک، بدون بهداشت
- **بیماری:** سل، وبا، حصبه شایع
- **امید به زندگی:** در محلات کارگری ۲۵-۳۰ سال کمتر از مناطق ثروتمند

«در منچستر و لیل، کارگر زودتر می‌میرد، اما زندگی نکرده می‌میرد. در این کارخانه‌های عظیم که ماشین‌ها غرش می‌کنند، انسان به زائده ماشین تبدیل شده است.»
 — ویلرمه، «جدول وضعیت فیزیکی و اخلاقی کارگران»، ۱۸۴۰

۳.۱۰.۱ سازمان‌یابی کارگری

فرانسه در کارگری سازمان‌یابی مراحل



انترناسیونال اول

در سپتامبر ۱۸۶۴، «انجمن بین‌المللی کارگران» (انترناسیونال اول) در لندن تأسیس شد. بخش فرانسوی آن نقش مهمی داشت:

انترناسیونال اول و فرانسه

- **تأسیس:** ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴، لندن
- **نمایندگان فرانسوی:** تولن، فریبور، لیموزن (پرودونیست‌ها)
- **گرایش غالب در فرانسه:** موتوئالیسم پرودونی (تعاونی‌گرایی)
- **رشد:** از چند صد عضو (۱۸۶۵) به ده‌ها هزار (۱۸۷۰)
- **سرکوب:** محاکمات ۱۸۶۸ و ۱۸۷۰، انحلال رسمی
- **نقش در کمون:** بسیاری از رهبران کمون ۱۸۷۱ عضو انترناسیونال بودند

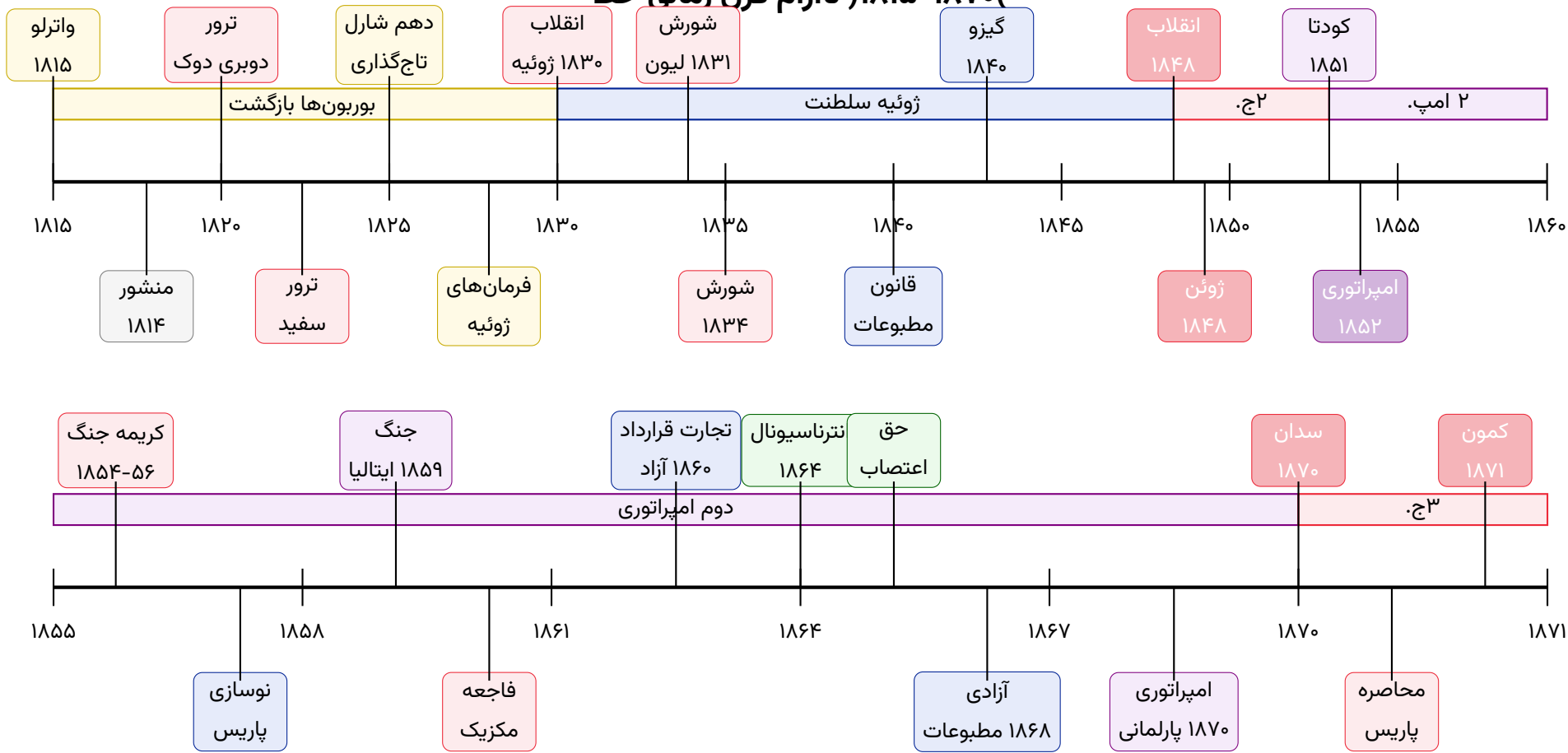
۴.۱۰.۱ آگاهی طبقاتی

روزهای ژوئن ۱۸۴۸ نقطه عطفی در شکل‌گیری آگاهی طبقاتی کارگران فرانسوی بود. پیش از آن، کارگران اغلب خود را بخشی از «مردم» (peuple) یا «ملت» می‌دانستند. پس از ژوئن، شکاف میان کارگران و بورژوازی آشکار شد.

«ژوئن ۱۸۴۸ نخستین جنگ داخلی بزرگ میان پرولتاریا و بورژوازی بود... توهّمات فوریّه درباره برادری طبقات، که قرار بود در جمهوری به ثمر بنشیند، در خون کارگران پاریس غرق شد.»
— کارل مارکس، «مبارزات طبقاتی در فرانسه»

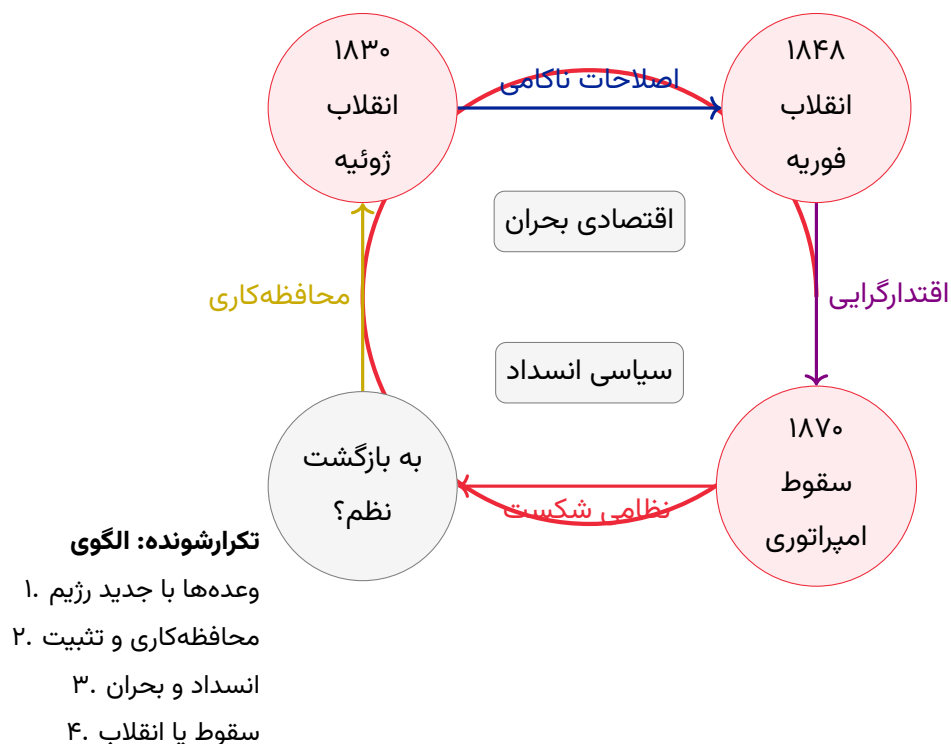
۱۱.۱ خط زمانی جامع

۱۸۱۵-۱۸۷۰ (نآآرام قرن زمانى خط



۱۲.۱ نقشه مفهومی: چرخه‌های انقلاب

فرانسه در انقلاب-ارتجاع چرخه



۱۳.۱ الگوها و درس‌ها

الگوهای کلیدی قرن ناآرام

۱. الگوی «انقلاب ربوده‌شده»:

- ۱۸۳۰: کارگران و پیشه‌وران می‌جنگند، بورژوازی قدرت را می‌گیرد
- ۱۸۴۸: مردم جمهوری می‌خواهند، بناپارتیسم پیروز می‌شود
- نتیجه: شکاف میان انقلابیون خیابانی و بهره‌برندگان سیاسی

۲. الگوی «میان‌روی ناپایدار»:

- هر رژیم میانه‌رو (لویی هجدهم، لویی-فیلیپ، جمهوری دوم) تحت فشار افراط‌ها سقوط می‌کند
- میان‌روی بدون پایگاه اجتماعی محکم، ناپایدار است

۳. الگوی «رأی همگانی محافظه‌کار»:

- رأی همگانی لزوماً به نتایج رادیکال نمی‌انجامد
- روستاییان (اکثریت) تمایل محافظه‌کارانه دارند
- ناپلئون سوم با رأی دهقانان به قدرت رسید

۴. الگوی «مسئله اجتماعی حل نشده»:

- هر رژیم با مسئله فقر و نابرابری مواجه است
- سرکوب (ژوئن ۱۸۴۸) راه‌حل پایدار نیست
- مسئله به نسل بعد منتقل می‌شود

«تاریخ فرانسه از ۱۷۸۹ تا امروز، تاریخ جستجوی بی‌پایان برای شکلی از حکومت است که هم آزادی را تضمین کند و هم نظم را، هم برابری را و هم مالکیت را.»

— فرانسوا فوره

۱۴.۱ جمع‌بندی فصل

جمع‌بندی: قرن ناآرام (۱۸۱۵-۱۸۷۰)

رژیم‌ها:

- بازگشت بوربون (۱۸۱۴-۱۸۳۰): تلاش ناموفق برای سازش سلطنت و انقلاب
- سلطنت ژوئیه (۱۸۳۰-۱۸۴۸): سلطنت بورژوازی، امتناع از اصلاحات
- جمهوری دوم (۱۸۴۸-۱۸۵۲): آزمایش کوتاه دموکراسی، شکست
- امپراتوری دوم (۱۸۵۲-۱۸۷۰): اقتدارگرایی + مدرنیزاسیون، سقوط در جنگ

انقلاب‌ها:

- ۱۸۳۰: سه روز شکوهمند — علیه ارتجاع شارل دهم
- ۱۸۴۸ (فوریه): علیه انسداد سیاسی لویی-فیلیپ
- ۱۸۴۸ (ژوئن): جنگ طبقاتی — سرکوب کارگران
- ۱۸۷۰: سقوط بدون انقلاب — شکست نظامی

تحولات بنیادین:

- صنعتی‌شدن و پیدایش طبقه کارگر

- گسترش تدریجی حق رأی تا رأی همگانی مردان
- شکل‌گیری ایدئولوژی‌های مدرن (لیبرالیسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم)
- ظهور «مسئله اجتماعی» به عنوان چالش اصلی سیاست

میراث:

- رأی همگانی مردان به عنوان اصل پذیرفته‌شده
- جمهوری‌خواهی به عنوان گرایش غالب (پس از ۱۸۷۰)
- جنبش کارگری سازمان‌یافته
- خاطره ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱ در جنبش‌های چپ

منابع فصل

- Agulhon, Maurice. ۱۸۴۸ ou la République. Paris: Seuil. ۱۹۷۳.
- Aprile, La Sylvie. ۲۰۰۰ Pygmalion, Paris: Empire. Second le et République
- Fortescue, William. ۱۸۴۸ and France: The End of Monarchy. London: Routledge. ۲۰۰۵.
- Furet, François. ۱۷۷۰-۱۸۸۰ France. Oxford: Blackwell. ۱۹۹۲.
- Magraw, Roger. A History of the French Working Class. Oxford: Blackwell. ۱۹۹۲.
- Pinkney, David. The French Revolution of ۱۸۳۰. Princeton: UP. ۱۹۷۲.
- Price, Roger. The French Second Empire: An Anatomy of Political Power. Cambridge: UP. ۲۰۰۱.
- Sewell, William H. Work and Revolution in France. Cambridge: UP. ۱۹۸۰.
- Tocqueville, Alexis de. The Recollections of the French Revolution of ۱۸۴۸. Trans. George. New York: Doubleday. ۱۹۷۰.
- Tombs, Robert. France ۱۸۱۴-۱۹۱۴. London: Longman. ۱۹۹۶.